تأثیر زبان فارسی در عربی

عبدالقادر، عبدالحامد

مترجم: حریرچی، فیروز

از تعصب عرب نسبت بزبان خود چنین بنظر میرسد که آنها از پذیرفتن کلمات فارسی که با آنها نیازمند نبودند ابا داشتند و چون در این قیبل کلمات نظر افکنیم باموارد ذیل مصادف می‏شویم:

1-این کلمات در برابر کلمات اصلی بسیار ناچیز است زیرا واژه‏های مذکور هنگامی وارد شد که زبان عربی رشد نموده و صلاحیت‏ بقای خویش را بثبوت رسانده بود و نیازی نداشت که از سایر زبانها اقتباس کند مگر الفاظ نادر و اندکی را که بر معانی یا مسمیات تازه دلالت‏ میکرد و نظیر آنها در بلاد عرب یافت نیمشد.

2-غالب این کلمات اسم می‏باشند زیرا عرب از دیگران حروف‏ و افعال اخذ ننموده بلکه فقط اسماء را بعاریت گرفته‏اند و بجهت مرونت‏ (نرمی)لغوی که بدان سرشته شده‏اند در بسیاری از موارد از اسماء دخیل، فعل مشتق کرده‏اند مانند کلمات ذیل:

از زرکش(رسم‏کننده باطلا)رزکش و از کهرباء،کهرب و از مغناطیس‏1مغطس و از قسطاس‏2،قسط عدالت کرد و اقسط بمعنی‏ بیداد کرد و از لجام،ألجم و از دیوان،دون و از مهر(بمعنی خاتم) مهر الکتاب(نامه را مهر یا توقیع نمود)و قس علی هذا.همچنین از این افعال و مشتقات دیگری ساخته‏اند که از نظر عموم مخفی‏ نمیباشد.

3-این نامها از نوع مخصوص است مانند اسماء نبات و حیوان و معادن یا آلات و ادوات،یا مأکولات یا مشروبات،یا البسه یا غیره و یا الفاظی که بر معانی فلسفی یا چیزهایی دلالت دارد که عرب سابقا با آنها آشنا نبوده‏اند.

عرب الفاظ محدودی را که نظیر آنها در زبان عربی وجود داشته‏ است بزبان خویش نقل نموده‏اند و این امر یا بجهت آنستکه این کلمات‏ بر زبان یا گوش سبک و مطبوع است و یا اینکه خواسته‏اند از این راه،وسعت‏ اطلاع خویش را در زبان فارسی بیان کنند و پیوند استواری را که با ایرنیان‏ داشته‏اند آشکار سازند.از نوع اول کلماتی مانند ورد،مسک‏3،توت‏ هاون،رصاص‏4،میزاب،که آنها را بجای حوجم،مشموم،فرصاد (1)-مغناطیس ریشهء یونانی دارد(ر ک.برهان قاطع.مصحح.دکتر معین)(مترجتم)

(2)-قسطاس از ریشهء یونانی است(ر ک.برهان قاطع حاشیهء آقای دکتر معین)(مترجم).

(3)-مسک ریشهء سانسکریت دارد.(ر ک.برهان قاطع).

(4)-در معرب بودن رصاص جای تأمل است(مترجم)

مهراس،صرفان و مثعب بکار برده‏اند و از نوع دوم کلماتی از قبیل بوصی‏ (معرب بوزی)جردقه،سجنجل‏5،موزج که آنها را بجای سفینه و رغیف و مرآة و خف استعمال کرده‏اند.

4-این کلمات از مللی نقل میشود که بمهارت و تخصص ممتاز میشوند یا اینکه در استعمال آنها از لحاظ زمان حق تقدم دارند.پس‏ عربها از ایرانیان اخذ کرده‏اند کلماتی را که بیشتر آنها بر خوردنی‏ها، نوشیدنی‏ها و پوشیدنی‏ها دلالت میکند و بعاریت گرفته‏اند از یونانی کلماتی‏ را که معانی فلسفی را بیان میکند و اخذ نموده‏اند از انباط واژه‏هایی را که بکشاورزی و ادوات آن مربوط میشود و بهمین دلیل است که‏ زبانهای اروپایی اخذ کرده‏اند از عربی پاره‏ای از مصطلحات ریاضی را مانند جبر،صفر،لوغاریتمارت(خوارزمیات‏6)و برخی اصطلاحات شیمی‏ مانند کحل،قلویات و برخی کلمات دیگر مانند تعریفة و قالب.

5-این کلمات در اصوات و موازین حرفی از قواعد عرب تبعیت‏ میکند و از همین‏جا مهارت و افتخار عرب بزبان خویش آشکار میشود زیرا آنها زبان خود را مطیع موازین و قالبهای بیگانه نساخته‏اند بلکه‏ موازین و اوزان و صیغه‏های بیگانه را تحت قواعد معینی که مهمترین‏ آنها در ذیل اشاره میشود باطاعت زبان عربی درآورده‏اند.

(ناتمام)

(5)-سجنجل بگفته جو الیقی در المعرب و زوزنی در شرح معلقات کلمهء رومی است(مترجم)

(6)-خوارزمیات منسوب است به ابو جعفر محمد بن موسی خوارزمی‏ صاحب کتاب(جبر و مقابله)ولی همچنانکه استاد عباس محمود عقاد گفته است‏ این کلمه در یونانی Legrithaus است.